

Analyzing the law on determining the citizenship of children born from the marriage of Iranian women with foreign men, approved in 2018, from the perspective of children's rights

Seyed Bagher Mirabbasi,¹ Maryam Taheri²✉

Abstract

Field and Aims: "Benefit of citizenship" is one of the "fundamental human rights" that gives a person a legal identity, and basically the realization of a person's rights depends on his citizenship being known; Because citizenship provides the practical possibility of enjoying one's rights; But Iranian women married to men with foreign citizenships were not legally able to request the recognition of Iranian citizenship for their children under the age of 18 based on the related articles of the civil law. Sometimes it happened after the father ran away and his identity was unknown, and the negative consequences; such as deprivation of identity documents and consequently, deprivation of rights; Like the right to health and the right to education, the "Law on determining the nationality of children born from the marriage of Iranian women with foreign men" was approved on October 2, 2019. According to the aforementioned law, the children of this group of mothers over the age of eighteen, provided that they were born in Iran before the approval of this law or at most one year after the approval of this law, could apply for Iranian citizenship, and in this way, the issue of their citizenship rights And more importantly, their right to benefit from citizenship remains without determining the legal obligation until obtaining Iranian citizenship; Therefore, in order to remove this limitation and with the influence of international human rights, on the 2nd of October 2018, the legislator approved the law amending the law on determining the citizenship status of children born from the marriage of Iranian women with foreign men, in order to protect the status of Iranian women, legal grounds It is necessary to provide for the rights of children under 18 years of age, although granting citizenship to these children is a positive step to reduce their harm and problems But due to the lack of transparency, the lack of assignment of some issues, including their rights from the time of birth to the acquisition of citizenship, etc., has created challenges in this field.

Method: This research was done using descriptive analytical method.

Findings and Conclusions: The law on determining the citizenship of children born from the marriage of Iranian women with foreign men, approved on 02/07/2019, provides the necessary platforms for realizing gender justice in the field of transferring citizenship from parents to children, and the right of a child born to an Iranian mother with It provides the foreigner with the benefit of citizenship and the rights of Iranian nationals.

Keyword: Nationality, Iranian Women, Foreign Men, Marriage, International law.

Citation (APA): Mirabbasi, B.; Taheri, M. (2025). Analyzing the law on determining the citizenship of children born from the marriage of Iranian women with foreign men, approved in 2018, from the perspective of children's rights. *International Legal Research*, 18(67), 1-18.

1. Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mirabbassi@parsilo.com

2. Ph.D. student in International Law, Pardis Alborz, University of Tehran, Tehran, Iran. (Author). Email: maryam.taheri1556@ut.ac.ir

واکاوای قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

مصوب سال ۱۳۹۸ در منظومه حقوق کودک

سیدباقر میرعباسی^۱، مریم طاهری^۲✉

چکیده

زمینه و هدف: «حق بهره‌مندی از تابعیت» از «حقوق بنیادین بشری» است که به فرد، هویت قانونی می‌دهد و اساساً، تحقق حقوق فرد فرع بر معلوم‌بودن تابعیت وی است؛ زیرا تابعیت امکان عملی بهره‌مندی از حقوق فرد را فراهم می‌آورد؛ لیکن، زنان ایرانی مزدوج با مردان دارای تابعیت خارجی قانوناً امکان آن را نداشتند تا مستنداً به مواد مرتبط قانون مدنی، برای فرزندان زیر هجده سال خود درخواست شناسایی تابعیت ایران را نمایند و از سوی دیگر، به دلیل مسأله بی‌تابعیتی فرزندان حاصل از این نوع از ازدواج‌ها که بعضاً بعد از متواری‌شدن پدر و نامعلوم‌بودن هویت وی حاصل می‌آمد و پیامدهای منفی‌ای چون محرومیت از اوراق هویت و به تبع، محرومیت از حقوقی نظیر حق بر سلامت و حق بر آموزش را در بر داشت، «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۸۵ به تصویب رسید. وفق قانون مذکور، فرزندان بالای هجده سال این گروه از مادران مشروط به آنکه قبل از تصویب این قانون یا حداکثر یک سال بعد از تصویب این قانون در ایران متولد شده بودند، می‌توانستند درخواست کسب تابعیت ایران نمایند و به این ترتیب، موضوع حقوق شهروندی آنها و مهم‌تر، حق آنها در بهره‌مندی از تابعیت تا قبل از اخذ تابعیت ایران، بدون تعیین تکلیف قانونی باقی می‌ماند؛ بنابراین، قانون‌گذار برای رفع این محدودیت و با تأثیرپذیری از حقوق بین‌الملل بشر، در تاریخ دوم مهر ماه سال ۱۳۹۸، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را به تصویب رساند تا ضمن پاسداشت مقام زن ایرانی، زمینه‌های قانونی لازم برای استیفای حقوق فرزندان زیر ۱۸ سال آنها را فراهم آورد که اگرچه ممکن است اعطای تابعیت به این کودکان گامی مثبت جهت کاهش آسیب‌ها و مشکلات آنان باشد، اما به دلیل عدم شفافیت، عدم تعیین تکلیف برخی موضوعات از جمله حقوق آنان از زمان تولد تا کسب تابعیت و...، چالش‌هایی در این زمینه ایجاد نموده است.

روش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۰۲، بسترهای لازم برای تحقق عدالت جنسیتی در حوزه انتقال تابعیت والدین به فرزندان را فراهم می‌نماید و حق کودک متولد از مادر ایرانی با مرد خارجی را در بهره‌مندی از تابعیت و حقوق اتباع ایران تأمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تابعیت، زن ایرانی، مرد خارجی، ازدواج، حقوق کودک، حقوق بین‌الملل بشر.

استناددهی (APA): میرعباسی، سیدباقر و طاهری، مریم. (۱۴۰۴). واکاوای قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب سال ۱۳۹۸ در منظومه حقوق کودک. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۸(۶۷)، ۱-۱۸.

۱. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: mirabbassi@parsilo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: maryam.taheri1556@ut.ac.ir



«تابعیت» از موضوعات بسیار مهم در منظومه حقوق بین‌الملل خصوصی محسوب می‌شود و به معنی رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که فرد را به یک دولت پیوند می‌دهد (عباسی، ۱۳۹۵: ۲۳۲). تابعیت رابطه سیاسی است، زیرا هر دولت شرایط و ضوابط تابعیت خود را تعیین می‌کند. تابعیت رابطه حقوقی است، زیرا دربردارنده آثار حقوقی است و یک رابطه معنوی است؛ زیرا محدود به مکان مشخص نیست؛ به این معنی که فرد ایرانی در هر کشوری که باشد، ایرانی محسوب می‌شود. در عین حال، «بهره‌مندی از تابعیت» از «حقوق بنیادین بشری» است که **اولاً** به فرد، هویت قانونی می‌دهد و بدون آن، فرد انسانی در اینکه بتواند حقوق خود را استیفاء کند، با مانع مواجه خواهد بود؛ برای مثال، فرد بدون اوراق هویت و تابعیت، اساسنامه امکان عملی بهره‌مندی از حقوق خود را نخواهد داشت و حقوق وی زمینه اجرایی نمی‌یابد؛ **ثانیاً**، گرچه «حقوق بشر» فرع بر انسانیت فرد است و تمامی افراد بشری منصرف از وضعیت تابعیت خود از آن برخوردار می‌باشند، لیکن در منظومه «حقوق شهروندی» برخی حقوق نظیر شرکت در انتخابات در بسیاری از کشورها همچنان فرع بر تابعیت فرد و معلوم‌بودن تابعیت او است و **ثالثاً**، مشخص‌بودن تابعیت فرد امکان بهره‌مندی وی از «حمایت دیپلماتیک» دولت متبوع خود را فراهم می‌سازد؛ به این معنی که اگر چنانچه حقوق فرد در خارج از کشور متبوع خود نقض شد و نتوانست از طریق مراجع ذی‌ربط آن کشور احقاق حق و تظلم‌خواهی نماید، دولت متبوع او مبادرت به حمایت دیپلماتیک از او خواهد کرد. در این میان، یکی از مسائلی که امروزه بسیار حائز اهمیت است، بحث تابعیت کودک و حقوق او به ویژه در صورت ازدواج زن و مرد با تابعیت‌های متفاوت و به صورت اخص، ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی است که مسأله تابعیت و حق و حقوق فرزندان آنان را به مشکلی چالش‌برانگیز تبدیل نموده است. از این رو، مقاله حاضر به واکاوی مبانی حقوقی و چالش‌های تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی از منظر حقوق کودک، با توجه به حقوق بین‌الملل بشر و قوانین داخلی به ویژه قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب سال ۱۳۹۸ می‌پردازد.

۱. حق بر تابعیت کودک در حقوق بین‌الملل بشر

۱-۱. اسناد بین‌المللی با تاکید بر حقوق کودک

پرداختن به مقوله‌ی حقوق کودکان، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مبانی حقوق بشر و لزوم حمایت از کودکان، به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی، دارای اهمیت فراوانی

است. حقوق کودکان پس از جنگ جهانی اول و با تصویب اعلامیه ژنو در سال ۱۹۲۴ به رسمیت شناخته شد. روند به رسمیت شناختن حقوق کودکان به لطف سازمان ملل و با تصویب اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ که توافقنامه‌ای مهم و الزام‌آور بود، ادامه یافت (اشتاینر^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس اسناد بین‌المللی از جمله منشور جهانی حقوق بشر^۲ ۱۹۴۸ و کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹، هیچ‌کس را نمی‌توان از حق ملیت و تابعیت به دلایل نژادی، قومی، مذهبی یا سیاسی محدود کرد و این حق شامل حال کودک نیز می‌شود (شریف، ۱۳۹۵: ۵). بر اساس کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک^۳ (۱۹۸۹) و همچنین، اساسنامه سازمان بین‌المللی کار (ILO)، کودک فردی است که کمتر از هجده سال سن داشته باشد؛ بنابراین، کودکان افراد زیر ۱۸ سال بوده که صرف‌نظر از نژاد، مذهب، جنسیت، توانایی، ثروت یا محل تولد، برخوردار از حق حمایت و مراقبت ویژه می‌باشند. کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک برخوردار از حقوق منصفانه، برابر و نیز رفتار با کرامت را بدون تبعیض و به نفع همه کودکان به رسمیت می‌شناسد.

دولت ایران در اسفند ۱۳۷۲ رسماً، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹ را به صورت مشروط پذیرفت. از سال ۷۲ تا ۸۸، وزارت امور خارجه به نمایندگی از دولت، امور مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون و وظیفه نظارت و تنظیم و ارسال گزارش ادواری آن را برعهده داشت و از دی‌ماه ۱۳۸۸ با مصوبه دولت، مسئولیت این کنوانسیون به وزارت دادگستری (مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک) واگذار شد. وفق بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون که در رابطه با حقوق مربوط به تولد است: «هر کودکی از بدو تولد، حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین، داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان، باید والدین خود را شناخته و از سوی آن‌ها نگهداری شود (آذرنپندار، ۱۳۹۷: ۱۵). در واقع، اگرچه برابر بند ۲ ماده ۷، وظیفه اعطای تابعیت صرفاً به کشور محل تولد تحمیل نمی‌شود و سایر کشورهای مرتبط با کودک، مثل کشور محل اقامت کودک و یا کشوری که پدر و مادر تابعیت آن را دارند، نیز مسئولند. با این همه، کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که این حقوق را مطابق با قوانین ملی و تعهدات خود طبق اسناد بین‌المللی مربوطه در این زمینه، خصوصاً در مواردی که کودک در صورت عدم اجرای آنها آواره محسوب می‌گردد، لازم‌الاجرا تلقی خواهند کرد. در واقع، این تمهیدات به منظور جلوگیری از بی‌تابعیتی کودکان پیش‌بینی شده است. از این رو، کمیسیون مربوط به حقوق کودک پیشنهاد می‌کند در مواردی که دولت کودک را صاحب حق تابعیت نمی‌داند یا مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا کودک تابعیت دولت یاد شده را به دست

1. Steiner

2. Universal Charter of Human Rights

3. Convention on the Rights of the Child



آورد، کشوری که کودک در آن زندگی می‌کند یا در آن به دنیا آمده است، باید اطمینان دهد که کودک حق کسب تابعیت را خواهد داشت. بنابراین، می‌توان گفت ماده ۷ کنوانسیون با این هدف وضع شده است تا اطمینان حاصل شود که تمام اقدامات لازم صورت می‌گیرد تا هیچ کودکی بی‌تابعیت نماند. لذا، بر اساس تعهدات بین‌المللی مطابق کنوانسیون یادشده، اگر کودکی در ایران فاقد تابعیت باشد، دولت ایران مسئول است (چاچ و عبدی‌پور، ۱۳۹۸).

۲-۱. اسناد بین‌المللی با تاکید بر بی‌تابعیتی

وجود بی‌تابعیتی مسئله‌ای حقوق بشری بوده و کشورهای مختلفی با آن درگیر هستند. پرداختن به موضوع بی‌تابعیتی و تبعیض در دسترسی کودکان به تابعیت مستلزم بررسی علل بی‌تابعیتی کودک است. بی‌تابعیتی در میان کودکان اغلب نتیجه مستقیم وضعیت بی‌تابعیتی والدین آن‌هاست، زیرا تنها به کودکانی که والدین آن‌ها شهروند شناخته می‌شوند، تابعیت اعطا می‌شود. بی‌تابعیتی دور باطلی است که در آن، والدین فقدان وضعیت قانونی خود را به فرزندانشان منتقل می‌کنند که به شدت دوران کودکی و همچنین، فرصت‌های آن‌ها را برای داشتن زندگی کامل و آبرومندانه در بزرگسالی به خطر می‌اندازد. بسیاری از کشورهای جهان زنانی را که با همسران خارجی ازدواج کرده‌اند، از انتقال ملیت خود به فرزندان خود منع می‌کنند؛ درحالی‌که این یک مشکل جهانی باقی می‌ماند. کودکان بدون تابعیت به ویژه در برابر محرومیت‌های متعدد از حقوق ناشی از فقدان ملیت آسیب‌پذیر هستند. وضعیت بدون تابعیت آن‌ها به این معنی است که آن‌ها شخصیت غیرقانونی دارند. از جمله اسناد بین‌المللی که بر وضعیت افراد بی‌تابعیت و نیز کاهش آن تأکید دارد، کنوانسیون ۱۹۵۴ مربوط به وضعیت افراد بی‌تابعیت و کنوانسیون ۱۹۶۱ در مورد کاهش بی‌تابعیتی است. در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۱^۱ اشاره به کاهش بی‌تابعیتی دارد و مقرر می‌دارد: «طفلی که در سرزمین دولت طرف کنوانسیون بر اثر ازدواج قانونی متولد شده باشد و مادر طفل تابعیت دولت طرف کنوانسیون را داشته باشد، از تابعیت دولت طرف معاهده برخوردار خواهد شد؛ به طوری که این طفل در صورت عدم اجرای این مقرره بی‌تابعیت شود».

به هر روی، مسأله بی‌تابعیتی کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی موجبات نگرانی‌های داخلی در سطح مقامات مسئول و کنشگران مدنی را در پی داشت و در عین حال، نهادهای بین‌المللی مرتبط نیز این مهم را مورد توجه قرار داده و در اسناد مختلف ضرورت اصلاح قانون به نفع این گروه از زنان ایرانی و این گروه از کودکان را به دولت ایران متذکر شدند؛ از جمله، کمیته حقوق کودک، ناظر بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹م)، در بند ۴۵ سند «ملاحظات نهایی» سال ۲۰۱۶ خطاب به دولت ایران، مراتب نگرانی خود

1. Clause 3, Article 1 of the 1961 Convention

نسبت به محدودیت‌های قانونی برای تابعیت کودکان را اعلام و در بند ۴۶ از سند مرقوم بر ضرورت اصلاح قانون تأکید کرد (ملاحظات پایانی در مورد گزارش‌های دوره‌ای سوم و چهارم جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۱۶: پاراگراف ۴۵ و ۴۶).

۲. حق بر تابعیت کودک در قوانین داخلی

۲-۱. سیر تحول قانونگذاری

نظر به اهمیت موضوع تابعیت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ با اصلاحات بعدی، تابعیت را در ردیف «حقوق ملت» احصاء کرده و در اصل ۴۱ تصریح دارد بر اینکه: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند این حق را از هیچ ایرانی سلب نماید». همچنین، قانون‌گذار در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، ضوابط بهره‌مندی از تابعیت ایران را تقنین کرده است^۲؛

مصوبه «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» که در جلسه ۸۰۶ مورخ ۲۱/۱/۱۳۹۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بنا به پیشنهاد مورخ ۴/۱۱/۱۳۹۳ شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده به تصویب رسیده است، تنها در ماده ۴ به تابعیت اشاره و اذعان می‌دارد: «کودک از بدو تولد حق نام شایسته، ثبت تولد نزد مراجع ذی‌ربط، تابعیت، شناخت والدین و بستگان نسبی، سببی و رضاعی خود را دارد»؛ اما در خصوص وضعیت تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، توجه ویژه‌ای نشده است.

1. Concluding observations on the combined third and fourth periodic reports of the Islamic Republic of Iran

۲. در همین خصوص، ماده ۹۷۶ قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، اشعار می‌دارد: «اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱- کلیه ساکنین ایران بااستثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد؛ تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲- کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد.

۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده، بوجود آمده‌اند.

۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است، بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام، لااقل ۱ سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند؛ والا قبول‌شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷- هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره - اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود».



ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، به ویژه اتباع افغانستانی با بروز زمینه‌های حقوقی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و... موضوع تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از این ازدواج را در دهه‌های اخیر پررنگ‌تر نمود. این زنان قانوناً امکان آن را نداشتند تا مستنداً به مواد مرتبط قانون مدنی، برای فرزندان زیر هجده سال خود درخواست تابعیت ایران را نمایند و از سوی دیگر، به دلیل مسأله بی‌تابعیتی فرزندان حاصل از این نوع از ازدواج‌ها که بعضاً بعد از متواری شدن پدر و نامعلوم بودن هویت وی حاصل می‌آمد و پیامدهای منفی‌ای چون محرومیت از اوراق هویت و به تبع، محرومیت از حقوق اساسی نظیر حق بر سلامت و حق بر آموزش را دربرداشت. در حقیقت، اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مشروط به شرایط مصرح و روشنی است که قانونگذار در ماده ۹۷۶ و بندهای آن، ماده ۹۷۹، ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و سایر قوانین موضوعه تصریح کرده بود.

علی‌ایحال، به دلیل وجود موانع قانونی موجود و نیز توجه نهادهای بین‌المللی مرتبط به موضوع کودکان بی‌تابعیت مادران ایرانی، «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» را در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۸۵ به تصویب رساند؛ مع‌الوصف، این قانون نیز به دلیل محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در منطوق آن قادر نبود تا فرزندان زیر هجده سال مادران ایرانی مزدوج با اتباع خارجی را از تابعیت ایران برخوردار نماید و بالطبع، زمینه‌های قانونی لازم برای تحقق حقوق آنها، بالاخص حق بر سلامت و حق بر آموزش را تسهیل کند؛ زیرا وفق قانون مذکور، فرزندان بالای هجده سال این گروه از مادران مشروط به آنکه قبل از تصویب این قانون یا حداکثر یک سال بعد از تصویب این قانون در ایران متولد شده بودند، می‌توانستند درخواست کسب تابعیت ایران نمایند و به این ترتیب، موضوع حقوق شهروندی آنها و مهم‌تر، حق آنها در بهره‌مندی از تابعیت تا قبل از اخذ تابعیت ایران، بدون تعیین تکلیف قانونی باقی می‌ماند؛

لذا، قانون‌گذار با امعان‌نظر به خلاهای فوق‌الذکر، در تاریخ دوم مهرماه سال ۱۳۹۸، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را به تصویب رساند تا ضمن پاسداشت مقام زن ایرانی و حمایت از وی، حمایت از بنیان خانواده و نیز الزامات و فرصت‌های حقوق بشری، زمینه‌های قانونی لازم برای استیفای حقوق فرزندان زیر ۱۸ سال آنها را فراهم آورد.

۲-۲. واکاوی؛ فرصت‌ها و چالش‌های اجرای قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸

۲-۲-۱. فرصت‌های ایجادشده در قانون

نکات مثبت و فرصت‌های ایجادشده در قانون و آیین‌نامه تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸ که در قوانین پیشین، به ویژه قانون تعیین تکلیف مصوب سال ۱۳۸۵، پیش‌بینی نشده است، امکان بهره‌مندی این دست کودکان را از تابعیت ایران نسبت به قوانین گذشته فراهم نموده است؛ از جمله اینکه:

- عدم پیش‌بینی شرط تولد فرزند در خاک ایران که در قانون مصوب سال ۱۳۸۵ در نظر گرفته شده بود و بسیاری از فرزندان مادر ایرانی مشمول قانون نمی‌شدند و در واقع، جامعه هدف قانون محدود شده بود.

- عدم پیش‌بینی شرط تولد فرزند قبل از تصویب این قانون که این مورد نیز در قانون مصوب سال ۱۳۸۵ لحاظ شده بود.

- عدم تأثیر فوت مادر، پدر یا فرزند و حجر این افراد در درخواست اعلام تابعیت ایرانی برای فرزندان موضوع قانون که در ماده ۴ آیین‌نامه به آن تصریح شده است.

- محدودیت زمانی سه ماه جهت پاسخگویی مراجع امنیتی به مشکل امنیتی متقاضی و امکان اعتراض به اعلام نظر مرجع امنیتی ظرف یک ماه توسط متقاضی تابعیت پیش‌بینی و مرجع امنیتی نیز می‌بایست مجدداً ظرف سه ماه بررسی و اعلام نظر نماید.

- بهره‌مندی فرزندان موضوع این قانون طبق ماده ۲۱ از حقوق و تکالیف اتباع ایران بعد از تأیید تابعیت ایرانی آنها.

- ضمانت اجرای موارد تخلف از شرایط مقرر در قانون و آیین‌نامه بر اساس ماده ۲۳ آیین‌نامه به منظور استفاده از مزایای قانون.

۲-۲-۲. چالش‌های ایجادشده در قانون

چالش‌های ناشی از بی‌تابعیتی فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها اعم از مسائل و مشکلات سیاسی و مدنی، اقتصادی، رفاهی و فرهنگی سبب شده است که حق اعطای تابعیت به این فرزندان که از مادر ایرانی متولد شده و در خاک ایران و با فرهنگ ایرانی رشد کرده‌اند، همواره به عنوان یکی از مسائل حقوق بشری مد نظر قرار گیرد. با تصویب قانون سال ۱۳۸۵، حق اعطای تابعیت به افراد مذکور به رسمیت شناخته شد؛ هرچند باز هم مشکل این دسته کودکان حل نشد، زیرا این قانون تابعیت تولدی را برای فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به رسمیت نمی‌شناسد و تنها به شرط رعایت شروط ذکرشده در ماده واحده، حق تقاضای تابعیت این کودکان را دشوارتر کرد. با آنکه بند ۵ ماده ۱۷۶ قانون مدنی (فرزندان



ناشی از پدر ایرانی متولد در ایران) برای کسب تابعیت کفایت می‌نمود، ماده واحده ۱۳۸۵ ایرانی‌بودن مادر، اخذ گواهی سوء پیشینه کیفری و امنیتی و رد تابعیت غیرایرانی نیز به آن افزوده شد (فدوی لنجوانی، ۱۳۸۵) و این در حالی است که فرزندان زیر ۱۸ سال نیز در این ماده واحده تعیین تکلیف نشده‌اند و وضعیت نامشخصی دارند (توسلی نائینی، ۱۳۹۹). در سال ۱۳۹۸، این قانون طی ماده واحده‌ای اصلاح گردید. بر اساس آخرین اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور تا پایان شهریور ۱۴۰۳، تعداد افراد ثبت‌نام‌شده جهت دریافت تابعیت که پرونده آنان نهایی و منتج به صدور شناسنامه شده است، حدود ۱۸۰۰۰ فرزند مادر ایرانی می‌باشد. این روند با فرازونشیب‌هایی ذیل سازمان تأسیسی جدید به نام سازمان ملی مهاجرت همچنان تداوم دارد، ولی به لحاظ چالش‌های متأثر از این قانون که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود، نیازمند اصلاحات اساسی است.

۲-۲-۱. ازدواج شرعی

در صدر ماده واحده از عبارت عام «فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان خارجی» استفاده کرده است؛ همچنین، در بند ۲ ماده ۱ آیین‌نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، منظور از ازدواج در قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، ازدواج شرعی است و ازدواج شرعی به ازدواجی اطلاق می‌شود که مطابق قوانین ایران معتبر باشد؛ اعم از اینکه ثبت شده یا نشده باشد.^۱ ماده واحده و آیین‌نامه آن تصریح می‌کند که فرزندان حاصل از ازدواج شرعی که قبل از تصویب قانون متولد شده باشند و یا بعد از آن، می‌توانند تقاضای تابعیت ایران را نمایند. فلذا، دو شرط «بازه زمانی محدود» و نیز «ولادت در خاک ایران» که در قانون مصوب سال ۱۳۸۵ در نظر گرفته شده بود، حذف شد. عبارت «ازدواج شرعی» با دیگر قواعد و مقررات نظام حقوقی ایران ناسازگار به نظر می‌رسد؛ توضیح آنکه:

۱- ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی، به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه است.»

۲- ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت ایران است.»

۳- ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است،

۱. آیین‌نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۲/۳۱ هیات وزیران.

مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد ذیل الزامی است:

۱- باردارشدن زوجه

۲- توافق طرفین

۳- «شرط ضمن عقد»: مرد مکلف به ثبت ازدواج در صورت بارداری زوجه شده است و ماده ۴۹ همین قانون نیز عدم ثبت آن را جرم‌انگاری نموده و تأکید می‌شود که ضمن الزام به ثبت واقعه، مرد به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.

در حقیقت، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به منظور حمایت از نظم عمومی و ضرورت ثبت تمامی وقایع ازدواج که به نوبه خود نقش برجسته‌ای در حمایت از زنان، اثبات زوجیت و جلوگیری از افزایش ازدواج‌های غیرقانونی و پیشگیری از افزایش آمار کودکان بی‌شناسنامه دارند، در ماده ۲۰ به ضرورت ثبت نکاح دائم تصریح دارد و در ماده ۲۱ نیز، ثبت نکاح موقت در فرض باردارشدن زوجه، توافق زوجین و یا شرط ضمن عقد را الزامی می‌داند. ماده ۴۹ قانون مزبور عدم رعایت تکالیف مندرج در این دو ماده را به عنوان جرم تعیین و برای آن مجازات در نظر گرفته است. در عین حال، ماده ۱۰۴۱ ق.م.اصلاحی ۱۳۸۱/۴/۱، در راستای انسداد مبادی ازدواج زود هنگام و اجباری دختران زیر ۱۳ سال تمام شمس، ازدواج آنان را مقید به سه شرط اذن ولی، رعایت مصلحت و اجازه دادگاه کرده است و متعاقب آن، ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده، عدم رعایت سه شرط را به عنوان جرم در نظر گرفته است و وفق ماده ۵۶ قانون مزبور، تخلف سردفتر اسناد رسمی در ثبت ازدواج که بدون رعایت سه شرط فوق صورت گرفته است، جرم قلمداد شده است.

حال، با عنایت به مواد قانونی فوق، به نظر می‌رسد که قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت، با استفاده از عبارت کلی و بدون حدود مشخص «ازدواج شرعی»، برخلاف نظم حقوقی پیش‌گفته تدوین شده است و در عین حال، زمینه را برای افزایش ازدواج اجباری و زود هنگام کودکان باز گذاشته است.

۲-۲-۲-۲. افزایش تابعیت مضاعف

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵ از جمله شرایط اعطای تابعیت را «اعلام رد تابعیت غیرایرانی» عنوان دانسته بود؛ لیکن، قانون فعلی نسبت به این موضوع ساکت است و این سکوت و عدم تقنین موجبات بروز و ظهور مساله «تابعیت مضاعف» را دامن خواهد زد؛ در واقع، قانون مذکور معلوم می‌دارد که در



صورت تأیید تابعیت ایرانی فرزندان، تابعیت فعلی وی که از ناحیه پدر تحمیل شده است، چه خواهد شد.

۲-۲-۳. عدم تعیین تکلیف حقوق شهروندی فرزندان مادر ایرانی قبل از اعطای تابعیت
قانون حاضر نسبت به حقوق شهروندی فرزندان مادر ایرانی قبل از اعطای تابعیت آنها ساکت است؛ در واقع، یکی از اهداف اصلی واضعان اولیه قانون مذکور آن بود که این کودکان را قبل از اخذ تابعیت ایرانی مشمول حقوق شهروندی، بالاخص از حق بر آموزش، حق بر سلامت و حق بهره‌مندی از رفاه و تأمین اجتماعی برخوردار نماید؛ لیکن، قانون، این موضوع مهم را مغفول باقی گذاشته است.

۲-۳-۴. عدم تعیین تکلیف نوع تابعیت

در قانون مصوب سال ۱۳۸۹، جهت اعطای تابعیت دو اصطلاح متفاوت به کار رفته است که باعث بروز ابهاماتی شده است: عبارت «به تابعیت ایران درمی‌آیند» و «به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود» و در آیین‌نامه مربوطه، اصطلاح «اعطای تابعیت» به کار رفته است. بنابراین، به صراحت و به صورت مشخص، تعیین تکلیف نشده است که تابعیت اعطایی به این افراد ذاتی است و یا اکتسابی.

۲-۲-۵. عدم تعیین تکلیف قانون حاکم بر روابط پدر، مادر و فرزند

طبق ماده ۹۶۴ ق.م.مصوب ۱۳۰۷، با اصلاحات و الحاقات بعدی، «روابط پدر، مادر و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است»؛ با عنایت به ماده مذکور، این ابهام پیش می‌آید که اگر چنانچه قانون جدید تابعیت در راستای حمایت از مادران ایران مزدوج با اتباع خارجی و فرزندان آنهاست، بنابراین باید تصریح می‌نمود که در امور و دعاوی خانوادگی فرزندان موضوع قانون، قانون دولت متبوع مادر ملاک عمل دادگاه خواهد بود؛ اما این موضوع در متن قانون و آیین‌نامه ساکت است و نسبت به آن تعیین تکلیف نشده است.

۲-۲-۶. عدم تعیین تکلیف نام‌خانوادگی برای کودک

با توجه به اینکه پس از کسب تابعیت، مهمترین موضوع، تنظیم سند هویتی و صدور شناسنامه برای این افراد می‌باشد، نیازمند تعیین اقلام هویتی فرد است که نام‌خانوادگی مشخصه اصلی آن است؛ در قانون و آیین و شیوه‌نامه وزارت کشور نسبت به تعیین تکلیف آن اقدام نشده است. بر اساس ماده ۴۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی آن، نام‌خانوادگی

طفل، نام خانوادگی پدر است؛ اما با عنایت به اینکه در این مورد، تابعیت از مادر به طفل منتقل شده است و نیز دایره شمول قانون ثبت احوال ایرانیان می‌باشد، نیازمند تعیین تکلیف است.

۷-۲-۲-۲. نحوه اثبات رابطه نسبی مادر و فرزند

مطابق ماده ۵ آیین‌نامه، در صورتی که گواهی تولد معتبر در بیمارستان یا مراکز بهداشتی و درمانی مدارکی که نشان‌دهنده تولد طفل در خارج از کشور است، به هر دلیلی وجود نداشته باشد، تعلق فرزند به مادر ایرانی از طریق رأی دادگاه مشخص می‌شود. با این مقرر و تعیین شرایط عدم وجود مدارک معتبر جهت احراز رابطه مادر و فرزند، دایره شمول قانون را افزایش داده و امکان طرح ادعاهای بسیاری شده است؛ به نحوی که در شهرهای شرقی کشور باعث تشکیل پرونده‌های بسیاری در محاکم قضایی شده است. در حالی که می‌توانست با استفاده از مراکز بهداشتی و درمانی کشور محل تولد طفل و نیز استفاده از ظرفیت کنسولگری‌های ایران جهت تأیید گواهی ولادت صادره و احراز نسب، نسبت به کاهش سوءاستفاده‌های احتمالی اقدام نمود.

۸-۲-۲-۲. افزایش مهاجرت اتباع خارجی به ایران و افزایش ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

احتمال افزایش مهاجرت اتباع خارجی، به ویژه اتباع افغانستانی، جهت ازدواج، به ویژه به صورت شرعی، به طمع دریافت تابعیت برای فرزندان زنان ایرانی و حتی سوءاستفاده مردان خارجی از همسران ایرانی به منظور دریافت شناسنامه ایرانی برای فرزندان خود از همسران غیرایرانی و جایگزینی کودکان غیرایرانی بجای فرزندان زنان ایرانی و همچنان نیز دریافت اقامت دائم فراهم نماید. از سوی دیگر، در خانواده‌های ایرانی در شهرها و روستاهای مرزی در قبال دریافت مبالغی، امکان افزایش این دست ازدواج فراهم شده است.

۹-۲-۲-۲. برهم خوردن تعادل جمعیتی و مذهبی

در صورت اجرای گسترده قانون، به ویژه در استان‌های شرقی و غربی کشور، با برهم خوردن تعادل جمعیتی مواجه خواهیم بود که به علت نرخ باروری بالا، به ویژه در خانواده‌های افغانستانی، می‌تواند به حقوق ملت و شهروندان صدمه بزند؛ به نحوی که در حال حاضر، در برخی روستاهای مرکزی در استان سیستان و بلوچستان با غلبه جمعیت مهاجر روبرو هستیم. از سوی دیگر، برهم خوردن تعادل مذهبی به دلیل اینکه بخش قابل توجهی از خانواده‌هایی که نرخ باروری بالایی دارند، برای اتباع اهل سنت نگرانی‌های امنیتی در بر خواهد داشت.



در هر حال، با گذشت زمان و اجرای قانون و آیین‌نامه مورد اشاره، موارد دیگری از جمله موارد زیر به عنوان چالش‌های قانون بروز و ظهور یافته است:

- عدم تعیین تکلیف نسل دوم فرزندان مادران ایرانی که بی‌شناسنامه هستند و خود موفق به دریافت تابعیت و شناسنامه نشده‌اند.
- در مورد زنان خارجی که تابعیت ایرانی کسب کرده و تابعیت برخی فرزندان آنها ایرانی است، تکلیف آن تعداد فرزندان که قبل از کسب تابعیت ایرانی به دنیا آمده‌اند، چه می‌شود؟
- عدم تعیین تکلیف کسانی که درخواست تابعیت داده‌اند، اما درخواست آنها رد شده است، باعث وجود افراد بی‌تابعیت و بی‌هویت در کشور خواهد شد.
- وجود تعارضات با قانون کشور متبوع پدر چگونه حل خواهد شد؟ افزایش غصب شناسنامه زنان ایرانی، افزایش ازدواج‌های صوری، افزایش مطالبات اجتماعی این گروه بعد از کسب تابعیت و...

بحث و نتیجه گیری

«تابعیت» از موضوعات بسیار مهم در حوزه حقوق، بالاخص حقوق بین الملل خصوصی محسوب می شود و یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که فرد را به دولت معین مرتبط می سازد. تابعیت رابطه سیاسی است، زیرا هر دولت شرایط و ضوابط تابعیت خود را تعیین و تدوین می کند. تابعیت رابطه حقوقی است، زیرا دربردارنده آثار حقوقی است و یک رابطه معنوی است؛ زیرا محدود به مکان مشخص نیست، به این معنی که فرد ایرانی در هر کجای منظومه خاکی که باشد، ایرانی محسوب می شود؛ در عین حال، «بهره مندی از تابعیت» از «حقوق بنیادین بشری» است که **اولاً**، به فرد، هویت قانونی می دهد و بدون آن، فرد انسانی در اینکه بتواند حقوق خود را استیفاء کند، با مانع مواجه خواهد بود؛ برای مثال، فرد بدون اوراق هویت و تابعیت، اساسنامه امکان عملی بهره مندی از حقوق خود را نخواهد داشت و حقوق وی زمینه اجرایی نمی یابد؛ **ثانیاً**، گرچه «حقوق بشر» فرع بر انسانیت فرد است و تمامی افراد بشری منصرف از وضعیت تابعیت خود از آن برخوردار می باشند، لیکن در منظومه «حقوق شهروندی» برخی حقوق، نظیر شرکت در انتخابات در بسیاری از کشورها، همچنان فرع بر تابعیت فرد و معلوم بودن تابعیت او است و **ثالثاً**، مشخص بودن تابعیت فرد، امکان بهره مندی وی از «حمایت دیپلماتیک» دولت متبوع خود را فراهم می سازد؛ به این معنی که اگر چنانچه حقوق فرد در خارج از کشور متبوع خود نقض شد و نتوانست از طریق مراجع ذی ربط آن کشور احقاق حق و تظلم خواهی نماید، دولت متبوع او مبادرت به حمایت دیپلماتیک از او خواهد کرد.

قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ با اصلاحات بعدی به عنوان عالی ترین قانون که تمامی قوانین و مقررات باید در راستای تحقق هنجارهای مقرر در آن تدوین شوند، تابعیت را در ردیف «حقوق ملت» احصاء کرده و در اصل ۴۱ تصریح دارد بر اینکه: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند این حق را از هیچ ایرانی سلب نماید». قانون گذار ایران در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی و قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، مصوب ۱۳۸۵/۷/۲، شرایط و ضوابط بهره مندی از تابعیت ایران را تقنین کرده است. لیکن، نظر به تضییقات قوانین موصوف در «حمایت از فرزندان مادر ایرانی» و ضرورت «پیشگیری از بی تابعیتی»، «حمایت از زنان ایرانی» و «استیفای حقوق کودک»، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۹۸ به تصویب رساند. متعاقباً، دولت به منظور ترسیم دقیق خطوط و نقشه راه تحقق قانون، آیین نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان



خارجی را در مورخ ۲۳ شهریور ۱۳۹۹ از تصویب گذراند. تعمیق و تدقیق در قانون و آیین‌نامه فوق‌الذکر مؤید آن است که این هر دو، از منظر حوزه «حقوق زن»، «حقوق کودک» و «حقوق شهروندی»، دربردارنده نکات مثبت و منفی در خور مذاقه می‌باشد؛ نکات مثبتی از جمله: عدم پیش‌بینی شرط تولد فرزند در خاک ایران، عدم پیش‌بینی شرط تولد فرزند قبل از تصویب این قانون، پیش‌بینی امکان درخواست تابعیت برای فرزند توسط مادر از بدو تولد و نیز فرزند پس از ۱۸ سال، بهره‌مندی فرزند از حقوق و تکالیف اتباع ایران، محدودیت زمانی جهت پاسخ دستگاه‌های امنیتی و... در مقابل، چالش‌های مربوطه که می‌تواند امکان بهره‌مندی این کودکان را از حقوق اولیه آنها شامل آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی فراهم نماید تا در سایه قانون فوق‌الذکر، از وضعیت بی‌تابیتی، فاقد هویت‌بودن، تبعات و آسیب‌های اجتماعی آن رهایی یابند.

با این وجود، ضروری است با هم‌افزایی بین‌دستگاهی در کشور، راهکاری جامع‌نگر برای برون‌رفت از مشکلات قانون و آیین‌نامه مذکور تعریف شود تا ضمن حمایت از حقوق زن و کودک، بتوان با رویکرد حق‌محور نسبت به تمامی ساکنین قلمرو جمهوری اسلامی ایران، بین این دو، یعنی «حقوق زنان و کودکان» و «منافع و مصالح عالی کشور»، تعادل و توازن برقرار نمود؛ به نحوی که تأمین یکی به معنی نقض و نادیده‌گرفتن دیگری نباشد.

منابع

- آذربندار، احمدرضا. (۱۳۹۷). تفسیریه کنوانسیون حقوق کودک ماده ۷ حق بر ثبت ولادت. انتشارات هفتان.
- اقتداری، صدیقه. (۱۳۹۹). *تابعیت اطفال ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی با تأکید بر قانون جدید مصوب ۱۳۹۸*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند.
- الهویی نظری، حمید. (۱۴۰۰). *حقوق بین الملل خصوصی از منظر حقوق بین الملل عمومی*. مجد.
- امینی، مهدی؛ امینی، زهرا. (۱۳۹۸). تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی. حقوق خصوصی، ۱۶(۲)، ۴۶۲-۴۳۵.
- https://jolt.ut.ac.ir/article_75499.html
- بداع آبی، مرضیه. (۱۳۹۵). *بررسی تابعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی با تأکید بر رویه قضایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- توسلی نایینی، منوچهر؛ روحانی روحانی، نوشین. (۱۳۹۹). نقدی بر قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۹. پژوهش نامه حقوق فارس، ۳(۶)، ۴۱-۲۸.
- https://www.pzhfars.ir/article_118837.html
- چاچ، سعید؛ عبدی پور، ابراهیم. (۱۳۹۸). نابرابری بین پدر و مادر ایرانی در انتقال تابعیت به فرزندان. حقوق تطبیقی، ۱۰(۱)، ۲۷۸-۲۶۱.
- https://jcl.ut.ac.ir/article_72362.html
- زاهدنژاد، مهدی؛ رحمانی نژاد، معصومه. (۱۳۹۸). *بررسی تابعیت، تابعیت مضاعف و ترک تابعیت در حقوق ایران*. مجد.
- رضوانی، زهرا. (۱۳۹۶). *تعیین وضعیت حقوقی فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی با تأکید بر رویه قضایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سلمان پور، سارا. (۱۳۹۵). *وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- شریف، محمد. (۱۳۹۵). *گذار از حقوق بین الملل به حقوق بشر*. مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- عباسی، بیژن. (۱۳۹۵). *حقوق بشر و آزادی های بنیادین (سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین المللی و منطقه ای)*. چاپ دوم. دادگستر.
- عزیزی، ستار؛ حاجی عزیزی، بیژن. (۱۳۹۰). *تابعیت در حقوق ایران و بین الملل*. انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- عزیزی، ستار؛ حاجی عزیزی، بیژن. (۱۳۹۰). *بررسی جایگاه مادر ایرانی در انتقال تابعیت به طفل؛ نقدی بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و ماده واحده سال ۱۳۸۵*. مجله تحقیقات حقوقی، ۱۴(۵۶)، ۳۷۰-۳۳۳.
- https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56477.html
- کرمی، سمیه؛ جهانگیری، علیرضا؛ امیری، علی. (۱۳۹۳). *حقوق و تکالیف شهروندان با تابعیت مضاعف*. مجد.
- قاجار کوهستانی، فاطمه. (۱۳۹۸). *بررسی هویت اطفال با والدین دوتابعیتی یا چندتابعیتی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر.



- فدوی لنجوانی، سلیمان. (۱۳۸۵). نقدی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۲ / ۷ / ۱۳۸۵. *کانون وکلا*، (۱۹۴ و ۱۹۵)، ۱۸۳-۱۶۴.
<http://noo.rs/fFVwy>

- مهدی‌پور، سیده فاطمه؛ سبحانی، مهین؛ مقصودی، رضا. (۱۴۰۰). نقد و بررسی شرایط و آثار قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۹۸. *مطالعات حقوقی معاصر*، ۱۲ (۲۳)، ۱۱۱-۱۳۴.

https://law.tabrizu.ac.ir/article_13555.html

- مهدی‌پور، سیده فاطمه. (۱۳۹۹). *بررسی تابعیت ناشی از مادر با تأکید بر مصوبه تعیین تکلیف تابعیت فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

- میرعباسی، سیدباقر؛ میرعباسی، سیده فرناز. (۱۳۹۵). *نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر؛ مطالعه نقش ارکان اصلی و شورایی سازمان ملل متحد*. ج ۲. جنگل.

- Concluding observations on the combined third and fourth periodic reports of the Islamic Republic of Iran, CRC/C/IRN/CO/3-4.

https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=_CRC%2fC%2fIRN%2fCO%2f3-4&Lang=en

- Consideration of reports submitted by States parties under article 40 of the Covenant, Islamic Republic of Iran, CCPR/C/IRN/CO/3.

https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CCPR%2fC%2fIRN%2fCO%2f3&Lang=en

- General comment No. 14 (2013) on the right of the child to have his or her best interests taken as a primary consideration (art. 3, para. 1), CRC/C/GC/14, 29 March 2013.

https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=_CRC%2fC%2fGC%2f14&Lang=en

- General comment No. 13 (2011), The right of the child to freedom from all forms of violence, CRC/C/GC/13, 18 April 2011.

https://www2.ohchr.org/english/bodies/crc/docs/CRC.C.GC.13_en.pdf

- GENERAL COMMENT No. 20, Non-discrimination in economic, social and cultural rights (art. 2, para. 2, of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights), E/C.12/GC/20, 2 July 2009.

https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=E%2fC.12%2fGC%2f20&Lang=en

- General comment No. 28, Article 3 (The equality of rights between men and women), CCPR/C/21/Rev.1/Add.10, HRI/GEN/1/Rev.9 (Vol. I), 29 March 2000.

https://tbinternet.ohchr.org/Treaties/CCPR/Shared%20Documents/1_Global/CCPR_C_21_Rev-1_Add-10_6619_E.pdf

- General comment No. 17: Article 24 (Rights of the child), 1989, Available at: https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=INT%2fCCPR%2fGEC%2f6623&Lang=en

- Joseph, S., & Castan, M. (2013). *The international covenant on civil and political rights: cases, materials, and commentary*. Oxford University Press.

- Resolution adopted by the General Assembly on 17 December 2018, Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, A/RES/73/181, 15 January 2019.

<https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N18/450/11/PDF/N1845011.pdf?OpenElement>

- Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, A/HRC/37/68, 12 March 2018.



<https://undocs.org/en/A/HRC/37/68>

- Resolution adopted by the Human Rights Council on 23 March 2018, Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, A/HRC/RES/37/30, 13 April 2018, <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G18/103/71/PDF/G1810371.pdf?OpenElement>

- Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, A/76/160, 16 July 2021. <https://undocs.org/en/A/76/160>

- Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, A/HRC/46/50, 11 January 2021, Available at: <https://undocs.org/en/A/hrc/46/50>

- Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, A/HRC/43/61, 28 January 2020.

https://www.ohchr.org/Documents/Countries/IR/Report_of_the_Special_Rapporteur_on_the_situation_of_human_rights_in_the_Islamic_Republic_of_IranA4361.pdf

- Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, A/74/188, 118 July 2019.

<https://undocs.org/A/74/188>

- Steiner, H. J., Alston, P., & Goodman, R. (2008). *International human rights in context: law, politics, morals: text and materials*. Oxford University Press, USA.